

مردم برسانیم. حسن دیگر این طرح این بود که در صورت نیاز می‌توانستیم برخی امکانات مانند چادر را برای استفاده در جای دیگر جمع‌آوری کنیم. اوایل، این نوع مدیریت، شدیداً برای ما نیاز بود. در رابطه با چادر تدبیری هم کردیم تا مردمی که هراسان بودند و نمی‌توانستند در خانه‌هایشان بمانند، در مکان‌هایی که آماده کرده بودیم، اسکان اضطراری پیدا کنند. به این منظور، چادرها را در پارک‌ها، حیاط مدارس، سالن‌های ورزشی و محوطه‌هایی که مردم در آنجا آسایش داشتند، نصب کردیم. در این اماکن، امکاناتی نظیر سرویس بهداشتی، برق، آب و گاز برای مردم قابل‌دسترس بود.

در ارتباط با ارزاق، تهیه نان هم برای خودش مسأله‌ای بود. تعدادی از نانواهایی‌ها مغازه‌ها را بسته و از ترس جانشان رفته بودند. اعلام کردیم که هر کس پخت نان را از سرنگیرد، سهمیه‌اش لغو خواهد شد. تمهیدات دیگری هم برای فعال کردن نانواهایی‌ها داشتیم. درعین حال، برای راحتی مردم، در

آن مشکلاتی داشت ولی قابل استفاده بود. معاون فرمانداری را به همراه عوامل نیروی انتظامی مأمور کردم تا در بیمارستان باشند و فقط به کادر پزشکی، عوامل امدادی، مجروحان و فوتی‌ها اجازه ورود بدهند. از ورود سایرین جلوگیری کردیم. همه مردم نگران ارسباران بودند. جاده تبریز به اهر بسته بود و بنابراین استان اردبیل زودتر به ما می‌رسید؛ بنابراین فردی را هم به مسیر مشکین فرستادم تا برپیمان نیروی امدادی و کادر پزشکی بیاورد.

اسکان اضطراری

بسته حمایتی و معیشتی مسأله مهمی بود؛ احساس می‌کردم اگر ما در تحویل چادرها و بسته‌های معیشتی حرکت خاصی انجام ندهیم، علی‌الخصوص در خود شهر اهر مشکلات عدیده‌ای خواهیم داشت. جمعیت روستاها محدود بود و عمدتاً توزیع وسایل در آن‌ها بدون مشکل انجام می‌شد؛ ولی در شهری مثل اهر که نزدیک به صد هزار نفر جمعیت دارد، قضیه متفاوت است. با مدیریت هلال احمر، در چند نقطه از شهر کمک‌رسانی‌ها را انجام می‌دادیم. آمدیم و سیستمی نرم‌افزاری راه‌اندازی کردیم تا امکانات را با کارت ملی بدهیم. شماره کارت ملی در کامپیوتر ثبت می‌شد. در این صورت مثلاً: من که از اینجا وسایل می‌گرفتم، نمی‌توانستم از مرکز دیگری درخواست امکانات داشته باشم. این به ما کمک کرد تا هم امکانات را سریع تحویل بدهیم و هم بتوانیم به همه

”

بیمارستان اهر را هم کاملاً قرق کردیم؛ هیچ نیرویی اجازه رفتن نداشت. تلاش کردیم تا پزشکان و کادر پرستاری را هم زودتر پیدا کنیم و بیاوریم. خود بیمارستان هم آسیب‌دیده بود؛ ما در بیرون طبابت می‌کردیم. البته بیمارستان هم چند سال قبل از زلزله احداث شده بود

